**امکان سنجی رسیدگی محاکم بین‌المللی به تعقیب و مجازات عاملان و آمران ترور و شهادت سپهبد قاسم سلیمانی**

**امیر احمدی**

استادیار، عضو هیأت علمی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور تهران، ایران (نویسنده مسوول) Amir.Ahmadi@pnu.ac.ir

**چکیده**

اقدام ترور شهید سلیمانی توسط ایالات متحده آمریکا یک عمل ضد بشری و مجرمانه و ناقض معاهدات در عرصه بین المللی است. لذا این مقاله با هدف امکان سنجی رسیدگی محاکم بین‌المللی به تعقیب و مجازات عاملان و آمران شهادت سردار سلیمانی نگاشته شده است. حال این سؤال مطرح است که کدام کشور و محاکم فراملی و بین‌المللی صالح به رسیدگی است. با توجه به اینکه ترور ناجوانمردانه سردار سلیمانی در کشور ثالث با مباشرت آمریکا صورت پذیرفته است، از این‌رو پیگیری قضایی و تعقیب و مجازات عاملان و آمران این ترور توسط دولت ایران به آسانی نمی‌تواند صورت گیرد. بنابراین باید به دنبال راهکار اساسی بود و بر این اساس امکان سنجی رسیدگی قضایی و تعقیب عاملان و آمران را در محاکم بین‌المللی و محاکم فراملی بر طبق قوانین و کنوانسون‌های موجود مورد بررسی قرار داد.

**واژگان کلیدی:** سردار سلیمانی، ترور، عراق، آمریکا، محاکم بین‌المللی

**Feasibility study of international courts to prosecute and punish the perpetrators and Order-givers of the assassination and martyrdom of General Qassem Soleimani**

**Abstract**

The assassination of Martyr Soleimani by the United States is an inhumane, criminal act and a violation of international treaties. Therefore, this article has been written with the aim of assessing the feasibility of the international courts to prosecute and punish the perpetrators and those who ordered the martyrdom of Sardar Soleimani. The question now is which country and the transnational and international courts are competent to hear. Given that the cowardly assassination of Sardar Soleimani in a third country was carried out under US auspices, Therefore, the prosecution and prosecution of the perpetrators of this assassination by the Iranian government cannot be done easily. Therefore, a fundamental solution must be sought, and on this basis, the feasibility of judicial prosecution and prosecution of perpetrators and perpetrators in international and transnational courts in accordance with existing laws and conventions should be examined.

**Keywords:** Sardar Soleimani, Assassination, Iraq, USA, International Courts

**مقدمه**

سپهبد قاسم سلیمانی از فرماندهان نظامی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران و همرزمانش روز سیزدهم دی‌ماه 1398 مصادف با 3 ژانویه 2020 در یک عملیات از پیش طراحی شده توسط حمله موشکی پهباد دولت آمریکا با دستور رئیس جمهور ترامپ به خودروی در حا خروج حامل ایشان از فرودگاه بغداد در پایتخت عراق به درجه شهادت نائل شد (امینی و بذار، 1399، ص 4؛ رشیدی، 1399، ص 108؛ منتظران و جعفری، 1399، ص12). علاوه بر طرح موضوع و اعتراض به واقعه‌ی ترور و شهادت سپهبد سلیمانی به صورت دیپلماتیک و سیاسی علیه دولت آمریکا و رئیس جمهور آمریکا در مجامع بین‌المللی، بحث محاکمه و رسیدگی حقوقی که مورد نظر این پژوهش است، نباید نادیده گرفته شود. دولت آمریکا پس از این اقدام مسئولیت آن را پذیرفت و به عهده گرفت. یک مقام ارشد نظامی کشور ایران آن هم به دعوت دولت عراق وارد آن کشور شد و به دستور مستقیم رئیس جمهور آمریکا ترور شد، این نمونه در دنیا کمتر اتفاق افتاده است. لذا پیگیری حقوقی رسیدگی به ترور سپهبد سلیمانی یکی از مسائل قابل تأمل در عرصه بین‌المللی است. اهمیت موضوع از این لحاظ است که محاکمه‌ی عاملین این واقعه و ترور ناجوانمرانه می‌تواند از تکرار چنین جنایت بشری تا حد ممکن جلوگیری نماید تا شاید در جهان شاهد چنین ترورهای علیه مقامات رسمی سایر کشورها نباشیم. روش این پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی با بهره‌گیری از کتب مقالات و اسناد بین‌المللی خواهد بود. بدین‌ترتیب هدف این پژوهش امکان سنجی طرح دعوی علیه عاملان ترور و صلاحیت محاکم بین‌المللی می‌باشد. از این‌رو این سؤال مطرح می‌شود با توجه به عدم تخاصم جنگی آیا امکان محاکمه در محاکم بین‌المللی وجود دارد؟

**طرح دعوی در محاکم بین‌المللی**

طرح موضوع ترور در دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری در این پژوهش مورد مداقعه خواهد بود.

1. **پیگیری قضایی و رسیدگی ترور در دیوان کیفری بین‌المللی[[1]](#footnote-1)**

براساس اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری[[2]](#footnote-2) برای طرح دعوی و موضوع ترور سپهبد سلیمانی کشور ایران، عراق و آمریکا باید طرف اساسنامه دیوان و نیز راضی به رسیدگی دیوان باشند. لذا هیچ کدام از کشورها طرف اساسنامه دیوان نمی‌باشند و عملاً طرح این موضوع توسط دادستان دیوان میسر نمی‌باشد (امینی و بذار، 10:1399). به عبارت برخی از پژوهشگران اعطای صلاحیت به دیوان منوط به رضایت طرفین دعوا (ایران و آمریکا) است (میرعباسی و سادات، 47:1387). اقدام و طرح موضوع کشور ایاران در شورای امنیت سازمان ملل متحد به فرض محکوم کردم این ترور قطعاً با وتوی آمریکا مواجه خواهد شد. تنها راه اشتغال دیوان و رسیدگی موضوع ترور بر اساس ماده 12-3 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پذیرش صدور اعلامیه صلاحیت موردی است که این راه نیز با توجه به اساسنامه با محدودیت‌هایی روبرو خواهد شد. زیرا دیوان تعیین کننده این خواهد بود که در محدوده‌ی زمانی قید شده در اعلامیه به چه جرایمی رسیدگی کند (امینی و بذار، 10:1399).

از این جهت صلاحیتی برای دیوان برای رسیدگی به ترور سپهبد سلیمانی ایجاد نمی‌شود، چرا که دیوان به جرائم ارتکاب یافته در خاک، هواپیمایی و کشتی‌هایی که به ثبت رسیده‌اند صلاحیت خود را اعمال می‌کند. به نظر می‌رسد که کشور عراق به عنوان کشور ثالث بتواند با طرح صلاحیت موردی از سوی دولت عراق، ترور سپهبد سلیمانی را پیگیری نماید. باز خطری که برای ایران ایجاد می‌شود این است که کشور ایران بعد از عملیات ترور سپهبد سلیمانی اقدام به شلیک موشک به پایگاه آمریکایی نموده‌است که می‌تواند دادستان دیوان را وادار به رسیدگی علیه کشور ایران نماید.

با موضوع طرح جنایت جنگی در دیوان طرح موضوع نمود باز این بحث مطرح است براساس اساسنامه در زمان ترور سپهبد سلیمانی هیچ مخاصمه‌ی مسلحانه‌ای میان کشورهای ایران، عراق و آمریکا وجود نداشته‌است و ارتکاب جنایت جنگی منتفی خواهد بود.

اگر با موضوع ارتکاب علیه بشریت با طرح موضوع نسل‌کشی پیش رفت باید گفت که ارتکاب علیه بشریت تنها علیه افراد غیرنظامی قابل طرح است و جرم نسل کشی نیز باید سوء نیت خاص مرتکبان (نسل‌کشی یک گروه ملی، نژاد خاص، مذهب و قوم خاص) احراز شود. حال باید چه اقدامی نمود؟ جرم تجاوز صورت گرفته‌است؟ دولت‌های اساسنامه دیوان نهایتاً اعلام نمودند که دیوان از تاریخ 17 ژوئیه 2018 صلاحیت رسیدگی به جرم تجاوز را نیز دارد(نژندی‌منش و بذار، 209:1396). مشکل اساسی این است که دادستان دیوان برای رسیدگی به جرم تجاوز نیازمند احراز اولیه‌ی تجاوز از سوی شورای امنیت ملل متحد است (امینی و بذار، 13:1399). بنابراین علاوه بر این موضوع در ماده 15 اساسنامه شرایط سخت‌گیرانه‌ای برای رسیدگی طرح موضوه ترور سپهبد سلیمانی در اساسنامه وجود دارد و آن اینکه دولت عراق و آمریکا باید طرف اساسنامه‌ی دیوان باشند و این دو کشور عضو نیستند و عملاً طرح موضوع و اعمال صلاحیت دیوان را در خصوص صلاحیت موردی دیوان را منتفی می‌نماید.

1. **رسیدگی و پیگیری قضایی ترور سپهبد قاسم سلیمانی در دیوان بین‌المللی دادگستری[[3]](#footnote-3)**

صلاحیت اجرایی دیوان بین‌المللی دادگستری[[4]](#footnote-4) مورد پذیرش از سوی دولت‌های ایران و آمریکا نیست و عملاً کشور آمریکا صلاحیت اجباری دیوان را نخواهد پذیرفت و ثبت دادخواست از سوی دولت ایران بی‌فایده است. تنها پیدا کردن یک کنوانسیون بین‌المللی مرتبط با موضوع ترور افراد نطامی که دولت ایران نیز عضو آن کنوانسیون باشد و آن هم بدون مخاصمه بین دولت‌ها، می‌تواند دولت ایران را موفق به طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری نماید. کنوانسیون نیویورک درباره پیشگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص 1973 که صد و هشتاد کشور عضو آن هستند در موضوع ترور سپهبد سلیمانی قابل تأمل است. زیرا هر سه کشور ایران، عراق و آمریکا در این کنوانسیون عضو هستند. براساس ماده‌ی یک این کنوانسیون اگر فرد کارمند یک دولت در یک مکان رسمی در محل زندگی یا در وسیله‌ی نقلیه مورد تجاوز واقع شود براساس حقوق بین‌المللی مورد حمایت از تجاوز و حمله خواهد بود (امینی و بذار، 15:1399) این کنوانسیون بر ویژگی قربانی و بر شخص مورد حمایت بین‌المللی متمرکز است (Barker, 2011: 20). این سوال پیش می‌آید آیا سپهبد سلیمانی فرد مورد حمایت بین‌المللی است؟ در ماده یک کنوانسیون تعریفی از افراد مورد حمایت بین‌المللی بیان شده‌است. در ماده یک علاوه بر رئیس دولت و وزیر امور خارجه، کارمند و نماینده‌ی دولت‌ها مورد حمایت هستند. رویه قضایی نیز مؤید این مطلب است(امینی و بذار، 16:1399) بنابراین سپهبد سلیمانی در یک دعوت رسمی از سوی کشور عراق در حال خروج از فرودگاه آن کشور به شهادت رسید. لذا از این جهت که ایشان یک مقام رسمی مورد حمایت بین‌المللی می‌باشد نباید تردید کرد و دولت آمریکا نمی‌تواند ناقض کنوانسیون 1973 نیویورک باشد. قوانین داخلی آمریکا نیز مؤید این مطلب است که اکثر مقامات خارجی حق برخورداری از حمایت بین‌المللی را دارند. براساس ماده‌ی 13 کنوانسیون نیویورک برای حل و فصل اختلافات در این باره، ابتدا طرفین را دعوت به مذاکره می‌نماید و در غیر اینصورت به درخواست یکی از کشورها اختلاف به داوری ارجاع می‌شود و پس از گذشت شش ماه اگر براساس داوری رفع اختلاف بین دولت‌ها صورت نگیرد و به توافق نرسند هر یک از کشورها می‌تواند اختلاف را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع کند. شاید ایراد شود که دیوان بین‌المللی دادگستری ماهیتاً به دعاوی حقوقی رسیدگی می‌کند و به دعوای قتل و ترور نمی‌تواند ورود کند. در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت این دیوان عملاً و در رویه می‌تواند به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در جرائم ارتکابی وارد عمل شود و به جرائم آن‌ها بپردازد و این مهم در ماده 54 طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به آن اشاره شده‌است (ICG REPORTS: 2007) همچنین براساس ماده‌ی 7 کنوانسیون 1973 نیویورک هر یکی از اتباع دولت‌ها که مرتکب جرائم مندرج در کنوانسیون نیویورک شوند، متهعد به به محاکمه‌ی این افراد هستند و اگر محاکمه صورت نگیرد این افراد مجرم باید به دولت مقابل مسترد شوند[[5]](#footnote-5). بنابراین براساس این کنوانسیون محاکمه‌ی داخلی عاملان ترور در آمریکا مهیا است و اگر کشور آمریکا این مهم را انجام ندهد ناقض این معاهده است و مسئولیت بین‌المللی متوجه این کشور است. همین دعوا علیه کشور عراق براساس معاهده نیویورک قابل طرح است. البته با توجه به شلیک 13 موشک به پایگاه‌های نظامی آمریکا، هم دیوان و هم دولت آمریکا می‌تواند اقدام ایران را دعوای متقابل تلقی کند و از اقدام نظامی ایران بی‌تفاوت عبور نخواهد کرد هرچند جبران خسارت مادی ناشی از جنایت آمریکا برای کشور ایران محفوظ است. شایان ذکر است که به دلیل اینکه بین دولت آمریکا و ایران جنگ مسلحانه‌ای نبوده‌است درباره‌ی موضوع شهادت سپهبد سلیمانی، قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال نیست (Coracini:4: Ackary & Hosseinejad, 2020). هرچند اصلاح این خلأ بسیار مهم است، در این باره می‌توان گفت سپهبد سلیمانی یک فرمانده‌ی عالی رتبه بود که با دعوت رسمی دولت عراق وارد این کشور شده‌است و براساس قواعد بین‌المللی بشردوستانه ترور اتباع دولت‌ها بدون محاکمه‌ی عادلانه نقض حقوق بشر است. همچنین به موجب اصول منشور سازمان ملل متعهد، توسل به زور و عدم احترام به حاکمیت دولت‌ها ممنوع است و در قضیه ترور شهید سلیمانی به منافع ایران و تمامیت ارضی کشور عراق تعرض شده‌است.

1. **طرح دعوا در یک دادگاه مختلط( هایبرید)**

دادگاه‌های مختلط یا هایبرید از طریق دادگاه‌های ملی و بین‌المللی شکل می‌گیرد(Nouwen, 2006:190 به نقل از رشیدی 114:1399). به این معنا که کشورهای درگیر با انعقاد توافق‌نامه با سازمان ملل یا یک سازمان بین‌المللی یا منطقه‌ای توسط قضات داخلی و بین‌المللی تشکیل می‌شود و به یک موضوع مهم کیفری رسیدگی می‌کند. زمان تشکیل این دادگاه‌ها وجود موانع و مشکلات بین‌المللی است. از جمله این موانع و مشکلات، ناکارآمدی نظام‌های قضایی داخلی یا مصونیت سران برخی از کشورها است لذا محاکم داخلی و بین‌المللی قادر به تعقیب و محاکمه‌ی مجرمان نیست. از این جهت دادگاه‌های مختلط با مداخله‌ی نهادهای بین‌المللی از جملع سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود (ر.ک: به میرمحمد صادقی و رحمتی، 318:1397-1302). تشکیل این نوع از دادگاه‌ها در دنیا سابقه دارد هرچند برگزاری این نوع دادگاه‌ها با چالش مخالفت شورای امنیت مواجه است. بدین ترتیب در ترور شهید سلیمانی برای برپایی یک دادگاه مختلط پس از رایزنی با دولت عراق و درخواست کشور عراق از جمله مجمع سازمان ملل یا سایر سازمان‌های بین‌المللی می‌توان دادگاه مختلط تشکیل داد و عاملان و آمران را محاکمه نمود.

**نتیجه‌گیری**

ترور سپهبد قاسم سلیمانی به عنوان یک نیروی نظامی و مقام رسمی به عودت کشور عراق وارد این کشور شد با دستور مستقیم رئیس جمهور آمریکا توسط نیروهای آمریکای یک امر غیرقانونی در سطح بین‌المللی است. از آنجا که دولت ایران، آمریکا و عراق طرف اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌باشند عملاً پیگیری موضوع ترور و شهادت سپهبد قاسم سلیمانی براساس اساسنامه دیوان کیفری میسر نیست. زیرا وتوی کشور آمریکا در شورای امنیت را نباید نادیده گرفت و نیز طرح صلاحیت موردی دیوان کیفری بین‌المللی با واسطه‌ی کشور عراق بر اساس اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری فاقد شرایط لازم و بی‌فایده است. لذا براساس کنوانسیون نیویورک مسئولیت مدنی آمریکا پابرجا است و دعوا قابل طرح در دیوان بین‌المللی دادگستری خواهد‌بود. هرچند قضیه شلیک 13 موشک توسط دولت ایران به پایگاه نظامی آمریکایی در عراق را به عنوان یک آسیب در طرح دعوا در دیوان باید مدنظر داشت. همچنین برای تشکیل یک دادگاه مختلط می‌توان از یک سازمان منطقه‌ای مانند سازمان بین‌المللی کشورهای اسلامی برای ایجاد یک دادگاه مختلط در کشور عراق وارد عمل شد تا بتوان عاملان و مسببان ترور را به طور قانونی محاکمه نمود.

**منابع**

1. امینی، اعظم و بذار، وحید. (1399). امکان سنجی پیگیری قضایی ترور سردار سلیمانی در دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، 7 (شماره 2 (ویژه نامه شهادت سردار سلیمانی)، 1-24.
2. رشیدی، مهناز. (1399). امکان‌سنجی طرح دعوا در محاکم قضایی بین‌المللی و داخلی در موضوع ترور سردار سلیمانی و همراهان، مجله حقوقی دادگستری، 84 (111)، 107-127.
3. منتظران، جاوید و جعفری، سیداصغر. (1399). ترور شهید سپهبد سلیمانی از منظر قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق ‌بشردوستانه (با تأکید بر رسالت رسانه‌های برون‌مرزی)، پژوهشنامه رسانه بین الملل، 5 (1)، 37-11.
4. میرعباسی، سیدباقر ، سادات‌ میدانی، سیدحسین (1396)، دادرسی‌های بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری: مسائل روز، چکیده آراء و اسناد (جلد 2)، چاپ‌چهارم، تهران: ناشران جاودانه، جنگل.
5. میرمحمدصادقی، حسین و رحمتی، علی. (1397). دلایل و مبانی حقوقیِ تأسیس دادگاه های کیفری مختلط (بین المللی شده) از منظرِ داخلی و بین المللی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، 7 (25)، 299-329.
6. نژندی‌منش، هیبت‌الله و بذّار، وحید. (1396). تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری و جنایت تجاوز، آموزه های حقوق کیفری، 14 (14)، 201- 224.
7. کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی مأمورین سیاسی 1973.
8. اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری، لاهه.
9. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, I.C.J. Reports 2007, para. 137.
10. Askary, Pouria and Hosseinejad, Katayoun. (2020). “Taking Territory of a Third State Seriously: Beginning of IAC and the Strike Against Major General Soleimani (Part II),” [www.opiniojuris.org](http://www.opiniojuris.org).
11. Barker, J. Craig. (2011). The Protection of Diplomatic Personnel, Ashgate Publishing.
12. Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, including Diplomatic Agents, 1973.
13. Coracini, C. E. (n.d.). Targeted Killing of Suspected Terrorists During Armed Conflicts: Compatibility with the Rights to Life and to a Due Process? III Anuario Brasilerio de Direto Internacional, Available at: <http://www.corteidh.or.cr/tablas/r27148.pdf>.
14. Nouwen, Sarah. M. H. (2006). ‘Hybrid courts’ the hybrid category of a new type of international crimes courts. Utrecht Law Review, Vol. 2, Issue. 2.

1. .  دیوان بین ‎المللی کیفری  (ICC)  بعنوان اولین دادگاه دائمی بین ‎المللی در سال 1998. [↑](#footnote-ref-1)
2. . International Criminal Court (ICC) [↑](#footnote-ref-2)
3. . International Court of justice [↑](#footnote-ref-3)
4. . این دیوان رکن قضایی و اصلی سازمان ملل متحد در شهر لاهه  کشور هلند است. [↑](#footnote-ref-4)
5. . Aut dedere aut judicare. [↑](#footnote-ref-5)